

## بررسی و اولویت بندی علل بی رغبتی فرهنگیان استان مازندران به فعالیت های ورزشی

علی وفایی مقدم<sup>۱</sup>، دکتر فرزام فرزنان<sup>۲</sup>، مصطفی افشاری<sup>۳</sup>

### چکیده

**مقدمه و هدف:** با در نظر گرفتن فواید فعالیت های ورزشی، باید سعی در گسترش ورزش در اقشار جامعه کرد. به همین دلیل این تحقیق قصد دارد علل بی رغبتی به فعالیت های ورزشی در بین فرهنگیان استان مازندران را با تاکید بر محدودیت ها که شامل متغیرهای ویژگی های شخصی، علل سوق دهنده و موانع بازدارنده از یک طرف و جذابیت فعالیت ها از طرف دیگر، شناسایی و اولویت بندی کند و همچنین ارتباط این عوامل را با متغیرهای جمعیت شناختی مشخص کند.

**روش شناسی:** روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی است که به صورت میدانی انجام گرفته است. جامعه ی آماری تحقیق، فرهنگیان استان مازندران بودند که تعداد ۷۵۰ نفر حجم نمونه انتخاب شدند (۴۱۷۸۳ نفر). ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه ی محقق ساخته بود که به صورت خوشه ای - طبقه ای توزیع شد. یافته های حاصل از تحقیق با استفاده از آزمون اسپیرمن، پیرسون، آزمون t، آزمون کروسکال والیس و آزمون رتبه ای فریدمن استخراج شده است.

**یافته ها:** یافته های پژوهش نشان می دهد که ویژگی های شخصی با  $\rho = 0/652$ ، عوامل سوق دهنده محیطی با  $\rho = 0/723$  و همچنین موانع بازدارنده با  $\rho = 0/688$  در سطح معناداری  $p < 0/01$  و دو طرفه با عدم رغبت، ارتباط دارند ولی جذابیت فعالیت های ورزشی با  $\rho = 0/287$  در سطح معناداری  $p < 0/01$  ارتباطی با بی رغبتی ندارد. در ضمن با آزمون رتبه ای فریدمن مشخص گردید که موانع بازدارنده با میانگین رتبه ی ۲/۵۵، عوامل سوق دهنده ی محیطی با میانگین رتبه ی ۲/۱۱ و ویژگی های شخصی با میانگین رتبه ی ۱/۶۷ به ترتیب در اولویت قرار گرفتند. در ضمن از بین متغیرهای جمعیت شناختی، سن و جنسیت با عوامل بی رغبتی ارتباط داشتند.

**بحث و نتیجه گیری:** با توجه به ارتباط بیشتر محدودیت های بیرونی بر محدودیت های درونی در بی رغبتی افراد، پیشنهاد می شود که دست اندرکاران و مدیران ورزشی، بیشتر تمرکز خود را برای رفع محدودیت های بیرونی که از مشارکت افراد ممانعت می کنند، قرار دهند.

**کلید واژه:** محدودیت ها، جذابیت ها، مشارکت در ورزش

**مقدمه:**

انسان‌ها در زندگی روزمره، فعالیت‌های زیادی به غیر از خوابیدن انجام می‌دهند که برای اولویت‌بندی انجام این برنامه‌ها، بسیاری از عوامل دخیل می‌باشند. برخی از این فعالیت‌ها کم تحرک و برخی دارای تحرک بیشتری می‌باشند و هر یک از این فعالیت‌ها به نوعی براساس ویژگی‌های خود و عواملی دیگر، دارای جذابیت‌هایی هستند که می‌توانند توجه انسان‌ها را به خود جلب کنند. امروزه تربیت‌بدنی و ورزش به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر و یک نیاز اساسی زیربنایی برای تمام کشورها و جوامع محسوب می‌شود و به طور چشمگیر و فزاینده مورد توجه همگان قرار گرفته است (۱).

تاثیر ورزش و فعالیت‌های ورزشی بر سلامت جسمانی و روانی انکارناپذیر است (۲). با این همه با اینکه بسیاری از افراد از اثرات فعالیت‌های ورزشی اطلاع دارند ولی برای مشارکت در این فعالیت‌ها بی‌ رغبتند. همین امر موجب شده که دولت‌ها به فکر برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در امر ورزش و تفریحات سالم از طریق سازمان‌های اجرایی خود شوند (۳).

از سوی دیگر، منابع انسانی عامل مشترک انسانی در هر سازمان می‌باشد. از نظر سازمان‌ها، کارکنان منابع اصلی و دارای ویژگی‌ها، رفتار و ظرافت‌های خاصی هستند نه منابع فاقد حیات مانند سرمایه و زمین (۴). فراهم کردن آمادگی روانی و جسمانی هر یک از کارکنان، سبب افزایش بهره‌وری و پیشرفت به سمت هدف برای سازمان می‌شود. از بین سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور، آموزش و پرورش به عنوان یکی از حساس‌ترین دستگاه‌های کشور می‌باشد که سهم بسزایی در فراهم کردن جامعه‌ای سالم با آینده‌ای روشن ایفا می‌کند. قشر فرهنگیان به عنوان متصدیان آموزش و پرورش در هر جامعه، اولین حلقه در راه میل به اهداف توسعه‌ای و تحول‌گرا بسیار کارساز و مهم می‌باشند. این قشر جامعه با اجرای فعالیت‌های ورزشی می‌توانند آمادگی روانی و جسمی خود را افزایش دهند.

در این تحقیق محققین به دنبال عواملی است که سبب عدم رغبت فرهنگیان استان مازندران به فعالیت‌های ورزشی شده است. محققین این عوامل را به دو دسته محدودیت‌ها و جذابیت‌ها تقسیم‌بندی کرده‌اند که محدودیت‌ها شامل متغیرهای ویژگی‌های شخصی، سوق دهنده‌های محیطی و موانع بازدارنده و جذابیت‌ها مواردی از قبیل شدت و مدت فعالیت‌های ورزشی می‌باشد. ویژگی‌های فردی و درون شخصی مانند جنسیت، سن و نگرش، عوامل سوق دهنده‌ی محیطی مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ها و موانع بازدارنده مانند موانع محیطی، مالی و ساختاری رامی توان نام برد.

فرضیاتی که برای این تحقیق در نظر گرفته‌ایم شامل دو قسمت می‌باشد:

**محدودیت‌ها**

- بین ویژگی‌های شخصی فرهنگیان (جنسیت، سن، تحصیلات، نگرش‌ها و حالات درونی) با عدم رغبت به فعالیت‌های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین عوامل محیطی سوق دهنده (فرهنگ سلامتی، آگاهی عمومی، رسانه‌ها و سازمان‌ها) با عدم رغبت فرهنگیان به فعالیت‌های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین موانع بازدارنده‌ی فرهنگیان (کمبود وقت، عدم دسترسی به امکانات و هزینه‌ها) و عدم رغبت فرهنگیان به فعالیت‌های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.

## جذابیت‌ها

- بین جذابیت فعالیت‌های ورزشی با بی‌رغبتی فرهنگیان ارتباط معناداری وجود دارد.  
و:

- بین میزان ارتباط عوامل عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (شخصی، محیطی، سوق-دهنده و موانع بازدارنده از یک طرف و جذابیت از طرف دیگر) اختلاف معناداری وجود دارد.  
محدودیت‌های اوقات فراغت به حدودی گفته می‌شوند که اولویت‌های اوقات فراغت را می‌سازند و از مشارکت فرد و همچنین لذت بردن او از فعالیت‌های ورزشی جلوگیری می‌کنند. این محدودیت‌ها بر فرد تحمیل شده و سبب کاهش و عدم مشارکت افراد می‌شوند (۵).  
برای نمونه، کرافورد، جکسون و گادبی (۱۹۸۶) سه دسته از عوامل را شناسایی کردند. عوامل فردی، عوامل بین فردی و عوامل ساختاری مانع از مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی می‌شوند (۶).  
در فهم عمومی جامعه، اصطلاحاتی مانند علاقه، رغبت و تمایل به صورت مترادف تعبیر می‌شوند. در ابتدای بحث برای روشن ساختن دلایل بی‌رغبتی به ورزش، نیاز به روشن شدن مفهوم رغبت می‌باشد که در این مقاله، همانند تعابیر عمومی، دو واژه‌ی علاقه و تمایل مترادف در نظر گرفته می‌شود، ولی شایان ذکر است که در اصطلاحات و مفاهیم، این واژه‌ها کمی با هم متفاوتند.

## مفهوم رغبت

غلامحسین مصاحب رغبت را این‌گونه تعریف کرده است:  
رغبت کلمه‌ای است که در علم روان‌شناسی کاربرد دارد و به معنی احساس همراه با توجه و علاقه‌ی مخصوص به موضوعی می‌باشد. این احساس ممکن است ظاهر باشد و شخص بدان آگاهی داشته باشد و ممکن است از نظر سایرین یا خود فرد مخفی باشد (۷).  
در منابع خارجی، به کلمه‌ی رغبت بیشتر پرداخته شده است. آن‌چنان‌که این یافته‌ها را می‌توان از آن‌ها استخراج کرد:

گاوو در سال ۲۰۰۹، رغبت را میل و علاقه به کاری داشتن و از آن لذت بردن تعریف کرده است (۸). بنابراین تعریف، فردی که فعالیت را با علاقه و میل انجام می‌دهد و در انجام آن هیچ اجباری نمی‌بیند، پس به آن فعالیت رغبت دارد. اگر این فعالیت را از روی اجبار انجام دهد یا عواملی سبب بی‌علاقگی یا کم میلی او به فعالیت می‌شوند، از ابتدا یا به تدریج فرد از انجام آن فعالیت سرباز می‌زند و به انجام آن فعالیت بی‌رغبت می‌گردد.  
رغبت را یکی از انگیزاننده‌های قوی می‌توان شمرد (۹ و ۱۰). کراپ و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، به نقل از چن و انیس،<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) بین رغبت شخصی<sup>۳</sup> و رغبت موقعیتی<sup>۴</sup> تفکیک قائل شدند. رغبت شخصی به تمایل روان‌شناختی فرد به ترجیح دادن یک فعالیت یا عمل اطلاق می‌شود و رغبت موقعیتی به عنوان اثر جذابیت ویژگی یک فعالیت برای فرد تعریف شده است (۱۱ و ۱۲).

<sup>1</sup> - Constraint

<sup>2</sup> - Krapp, Hidi, & Renninger

<sup>3</sup> - Individual interest

<sup>4</sup> - Situational interest

بنابراین تعریف، رغبت را بر اساس دو بعدی که وجود دارد، می‌توان مورد بحث قرار داد: بعد اول، محدودیت‌هایی که به رغبت شخصی فرد به فعالیت، مربوط می‌شوند و بعد دوم کمبود جذابیت‌هایی که در فعالیت هدف، قرار دارند، می‌باشد. در بحث در مورد محدودیت‌هایی که بر رغبت فرد اثرگذارند، علاوه بر ویژگی‌های خود فرد، محدودیت‌های بیرونی نیز می‌توانند باشند که به ارتباطات فرد با محیط بیرون مربوط می‌باشد. افراد در سه سطح کلی تحت تاثیر افراد جامعه قرار می‌گیرند: سطح فردی، سطح بین فردی و سطح اجتماعی که در سطح فردی، تئوری‌های عقیده‌ی سلامت، مراحل تغییر (مدل سیال)، تئوری رفتار طراحی شده، در سطح بین فردی تئوری شناخت اجتماعی و در سطح اجتماعی تئوری‌های حمایت اجتماعی و ارتباطات را در نظر گرفته‌ایم.

### مدل عقیده‌ی سلامت<sup>۱</sup>

یکی از نخستین تئوری‌های ذکر شده در رفتار سلامت می‌باشد که توسط روسنستاک<sup>۲</sup> (۱۹۶۰) بیان گردید. او به دنبال این بود که چرا تعداد کمی از افراد در برنامه‌های مربوط به سلامت مانند فعالیت‌های بدنی شرکت می‌کنند و به دنبال آن‌ها بیماری آشکار می‌شود؟ پس از بسط دادن این تئوری توسط محققان، شش سازه‌ی اصلی بر تصمیم افراد برای اینکه به فعالیتی روی بیاورند یا از آن اجتناب کنند تاثیر گذار است (۱۳). آن‌ها معتقدند که افراد آماده‌ی اجرای فعالیت هستند اگر آنها:

۱. معتقد باشند که مستعد پذیرش شرایط ناسالم مانند بیماری هستند.
  ۲. معتقد باشند که انجام ندادن فعالیت‌های ورزشی، پی‌آمد و نتایج جدی دارد.
  ۳. معتقد باشند اجرا کردن فعالیت، در معرض شرایط سخت‌تر بودن بیماری‌ها را کاهش می‌دهد.
  ۴. معتقد باشند مزایای اجرای فعالیت‌های مربوط به سلامت بیشتر از هزینه‌های درمان بیماری‌ها باشد.
  ۵. در معرض عواملی که اجرای فعالیت را بر می‌انگیزند، باشند.
  ۶. مطمئن به توانایی‌های خود در اجرای موفقیت‌آمیز فعالیت باشند (خودکارآمدی) (۱۴).
- ممکن است همه‌ی این شرایطی که بیان گردید، برای فرد بوجود نیاید ولی مهم این است که فرد با دستور پزشک و یا با قرار گرفتن در وضعیت بیماری، نیاز به فعالیت‌های پرتحرک را احساس می‌کند.

### مدل مراحل تغییر (مدل سیال)<sup>۳</sup>

تغییر دادن رفتاری که به صورت عادت شده است، یکی از مسائلی است که اکثریت افراد، جزء دلایل بی‌رغبتی به ورزش می‌دانند. برای اینکه فردی بتواند رفتار خود را تغییر دهد، باید به صورت برنامه‌ریزی شده و با اصول این کار را انجام دهد ولی عدم داشتن آگاهی در مورد چگونگی تغییر دادن رفتار و یا عدم اجرای درست، برای افراد محدودیت‌هایی را بوجود می‌آورد که در این مدل به آن اشاره می‌گردد.

این مدل توسط پروچسکا و دیکلمنتا<sup>۴</sup> در سال ۱۹۸۳ توسعه داده شده است. افراد در عادات ورزشی خود از مراحل مختلفی گذر می‌کنند، این مراحل دایره‌وار است که شامل پنج مرحله‌ی تغییر است (۱۵). این مدل بیان می‌کند که فردی که رفتار خود را تغییر می‌دهد باید از این پنج مرحله بگذرد:

\* مرحله‌ی پیش‌تفکری: تا شش ماه بعد، قصد اجرای فعالیت ورزشی را ندارد.

\* مرحله‌ی تفکر: قصد اجرای فعالیت را تا شش ماه بعد دارد.

1 -Health Belief Model

2 -Rosen stock

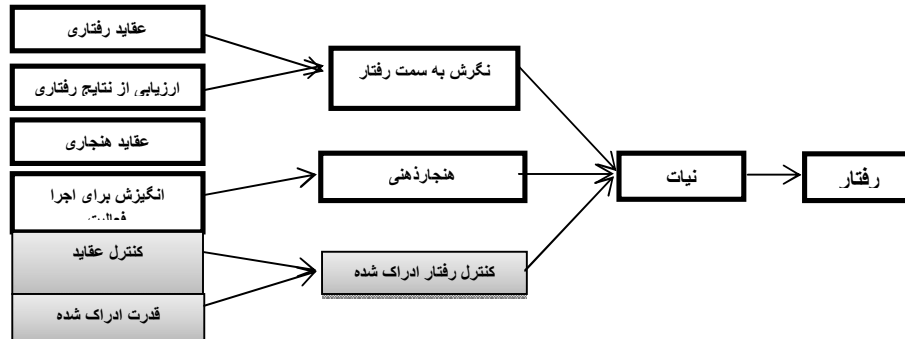
3 -Stages of Change (Trans theoretical) Model

4 -Prochaska and Deccremented

\* مرحله آماده‌سازی: قصد اجرای فعالیت را تا سی روز دیگر دارد و گام‌های موثری در این جهت می‌گیرد.  
 \* مرحله اجرای رفتار: فرد رفتارش را برای کمتر از شش ماه تغییر می‌دهد.  
 \* مرحله استمرار: رفتار تغییر یافته، برای بیشتر از شش ماه ادامه دارد. اگر برای مدت بیش از سه سال فعالیت را ادامه دهند، احتمال اجرای فعالیت ورزشی را تا پایان عمر دارند (۱۶).  
 نکته‌ی مهم در این تئوری، دایره‌وار بودن مسیر است و اینکه فرد باید تک‌تک مراحل را پشت سر گذاشته و سپس وارد مرحله‌ی بعد گردد. عدم اجرای منظم این مراحل و یا رها کردن این فرایند در حال اجرا، سبب عدم تعهد به فعالیت‌های مورد علاقه می‌شود.

### تئوری رفتار طراحی شده<sup>۱</sup> (ایزن و مادن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶)

برای اینکه فرد به فعالیتی علاقه نشان دهد باید آن فعالیت به صورت روان‌شناختی در او درونی شود. این فرایند درونی شدن، مانع از ترک انجام فعالیت می‌گردد که در این تئوری به آن اشاره می‌شود. این تئوری و ارتباط آن با تئوری عمل مستدل<sup>۳</sup>، ارتباط بین رفتار و عقاید، نگرش‌ها و نیت را بیان می‌کند. بر طبق این مدل، نیت رفتاری بر نگرش افراد به سمت اجرای فعالیت تاثیر گذار است. این دو مدل فرض می‌کنند که دیگر عوامل تاثیر گذار (فرهنگی، محیطی و ...) درون سازه‌های مدل می‌باشند و مستقل نیستند (۱۷). این تئوری اجرای یک فعالیت را در چهار سطح مورد بررسی قرار می‌دهد.  
 نیت رفتاری که بیان می‌کند فرد احتمال اجرا کردن یک فعالیت را دارد.  
 نگرش که ارزیابی شخصی از رفتار می‌باشد.  
 هنجار ذهنی و غیر عینی که بیان می‌کند که آیا فرد اعتقاد به پذیرش فعالیت دارد یا خیر؟  
 کنترل رفتار ادراکی بیان می‌کند که فرد می‌تواند بر اجرای فعالیت کنترل پیدا کند. فرد تلقی مثبتی بر اجرای خود دارد و از این طریق تمایل بیشتری به انجام فعالیت دارد.



شکل ۱- مدل رفتار طراحی شده و مدل عمل مستدل (رنگ تیره)

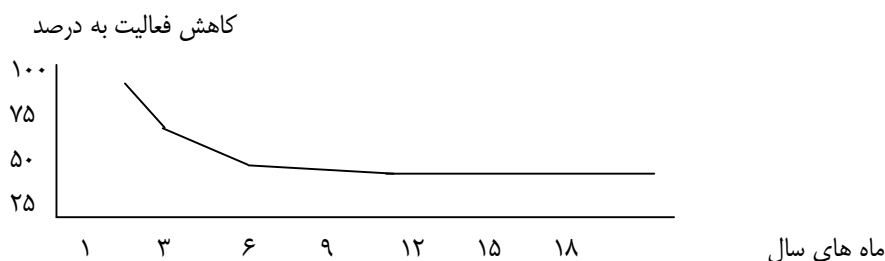
مشکل پایبندی به ورزش یا حفظ استمرار برنامه‌ی ورزشی پس از اینکه فرد محدودیت‌های اولیه را پشت سر گذاشته و به فعالیت‌های ورزشی روی آورده است، بوجود می‌آید. بسیاری از افراد پس از اجرای فعالیت‌های

1 - Theory of Planned Behavior

2 - Ajzen & madden

3 - Theory of Reasoned Action

ورزشی مجدداً<sup>۱</sup> به علل گوناگون این فعالیت‌ها را ترک می‌کنند. نمودار زیر روند کاهش درصد شرکت‌کنندگان که در شش ماه اول رخ می‌دهد و پس از هجده ماه متوقف می‌شود (۱۸).



شکل ۲ - نمودار روند کاهش فعالیت بر اساس زمان

علاوه بر محدودیت‌های درونی که بر فرد وارد می‌شود، محدودیت‌های بیرونی مانند محیط اجتماعی و فرهنگی بر فرد نیز اثرگذارند. این محدودیت‌ها و شرایطی که بوجود می‌آیند را می‌توان بر اساس تئوری‌های شناخت اجتماعی، حمایت اجتماعی، ارتباطات و اثرات رسانه شرح داد:

### تئوری شناخت اجتماعی<sup>۲</sup> (باندورا<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶)

علاوه بر عوامل شخصی که در درون هر فرد می‌باشد، عواملی از محیط بیرون هستند که بر درون فرد اثر می‌گذرانند. این تئوری فرایند مداوم اثرگذاری عوامل شخصی، عوامل محیطی و عوامل انسانی را توصیف می‌کند. بر طبق این تئوری، سه عامل اصلی اثرگذار بر شخص تا رفتار خود را تغییر دهد: خودکارآمدی، اهداف و پیش‌بینی نتایج می‌باشد. باندورا با اضافه کردن خودکارآمدی به این تئوری، این تئوری را تئوری شناخت اجتماعی نامید. احتمالاً<sup>۳</sup> خودکارآمدی را مهم‌ترین عامل در این نظریه می‌توان در نظر گرفت (۱۹). رفتار به سادگی، محصول محیط و شخص نیست و همچنین محیط به سادگی با شخص و رفتار او ایجاد نمی‌شود و یا تغییر نمی‌کند (۲۰). عدم داشتن تعامل بین سه عاملی که گفته شد، یکی از مهمترین فرضیات برای درک ارتباط نامناسب فرد با محیط خویش می‌باشد.

### تئوری ارتباطات<sup>۴</sup>

این تئوری شرح می‌دهد که چه کسی، چه چیزی، از چه کانالی، با چه کسی، و با چه عواملی می‌گوید. تئوری ارتباط نشان می‌دهد که چگونه پیام‌ها تولید می‌شوند، مخابره می‌شوند، دریافت می‌شوند و همانند سازی می‌شوند (۲۱). هنگام بررسی عدم مشارکت به فعالیت‌های ورزشی، سوال اینست که فرایند ارتباط چگونه این مسئله را بوجود آورده است؟ و مانع می‌شود؟ و یا رفتار را تغییر می‌دهد؟ پیام‌های مناسب در سطح فردی که سبب افزایش اطلاعات عمومی افراد در زمینه‌های ورزشی می‌شوند، پیام‌های متحد کننده در سطح گروهی که سبب بوجود آمدن گروه‌ها و اجتماعات می‌شود، امتیازات اجتماعی در سطح اجتماعی که همانند تشویقات از سازمان‌ها

1 - Social Cognitive Theory

2 - Bandura

3 - self-efficacy

4 - Communication theory

برای کارکنان خود، نشانگر ارتباطات سالم می‌باشند و توده‌ی رسانه‌ای در سطوح سیاسی و عمومی، می‌تواند تداعی‌کننده‌ی تئوری ارتباط باشد. توده‌ی رسانه‌ای و تاثیر آن در تمام سطوح، نقش بسزایی را در تغییر رفتار دارند. برای نمونه به یکی از تاثیر گذارترین ابزار ارتباطات در جوامع اشاره می‌کنیم:

### اثرات رسانه‌ها<sup>۱</sup>

رسانه‌ها می‌توانند با تاثیر گذاری بر دانش، عقیده، نگرش و رفتار مخاطبین خود تاثیر زیادی را بر نیازها، علایق و ترجیحات افراد دارند (۲۲).

این تاثیرگذاری از طریق موضوعات رسانه‌ای (چه موضوعی پوشش داده می‌شود)، موضوعات عمومی (افراد چه افکاری دارند) و موضوعات سیاسی (قوانین و نظم دهنده‌ها) می‌باشد (۲۳).

دلایلی که با کمک تئوری‌ها ذکر شد، می‌توانند از عوامل بی‌رغبتی به ورزش باشند. البته این دلایل بر اساس فرهنگ هر جامعه و یا حتی قوم و نژاد نیز متفاوت می‌باشند. برای مثال معتمدین و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "توصیف عوامل گرایش یا عدم گرایش شهروندان تبریزی به ورزش همگانی" دریافتند که بیشترین موانع عدم گرایش را کمبود امکانات ورزشی برای آقایان و پایین بودن سطح فرهنگ جامعه برای بانوان ذکر کردند که موانع موجود بر اساس ویژگی‌های فردی در اولویت قرار می‌گیرند (۲۴).

این محدودیت‌ها برای اکثر اقشار جامعه و شهروندان مناطق مختلف با عنوان عوامل بازدارنده نیز مورد بحث قرار گرفته است.

کشکر و احسانی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "بررسی اهمیت عوامل بازدارنده ی زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به متغیر خصوصیات فردی" از مدل سلسله مراتبی عوامل بازدارنده ی اوقات فراغت (مدل کرافورد و گادبی) استفاده کردند پس از بررسی نتایج تحقیق، دریافتند که عوامل ساختاری، عوامل فردی و عوامل بین فردی به ترتیب اولویت قرار دارند (۲۵).

در برخی از تحقیقات نیز محدودیت‌ها و انگیزاننده‌ها (جذاییت‌ها) به عنوان محور تحقیقات مورد بررسی قرار گرفتند. در تحقیقی که توسط نادریان و مشکل گشا در سال ۱۳۸۷ تحت عنوان "موانع مشارکت ورزش زنان و ارتباط آنها با انگیزه" در شهر اصفهان انجام گردید، نبود وقت، نبود علاقه، ناآگاهی، مشکلات فردی و روانی، مشکلات مربوط به نداشتن همراه، نبود امکانات، نداشتن دسترسی به امکانات، جزء موانع مشارکت ورزشی بخصوص در قشر زن قرار گرفته‌اند (۲۶).

داداشی (۱۳۷۹) در تحقیقی تحت عنوان "عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان"، عوامل بازدارنده ی نه‌گانه‌ای را مورد بررسی قرار داد که در این میان، عوامل وقت و علاقه نقش بازدارندگی بیشتری دارند (۲۷).

حسقلی پور و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل تاثیرگذار بر گرایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران به رویدادهای ورزشی" پس از مطالعه‌ی عمیق ادبیات پژوهش تحقیقات قبلی، مولفه‌های تاثیرگذار را بر چهار عامل: ترفیع ورزشی، نوع ورزش و ویژگی‌های آن، شرایط و امکانات ورزشی، و خصوصیات ورزشکاران و تیم‌ها طبقه‌بندی کرد.

در تحقیقات خارج از کشور نیز با عناوین موانع و یا محدودیت‌ها در مقابل انگیزه‌ها، به تحقیق پرداخته‌اند.

لام یوت مینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان "محدودیت‌ها و انگیزاننده‌ها"<sup>۲</sup> دریافت که انگیزاننده‌های لذت آور، انگیزاننده‌های رقابتی و انگیزاننده‌های اجتماعی را مهمترین عوامل می‌دانستند که البته بر اساس ویژگی‌های فردی مانند جنس متفاوت بود. از بین موانع ذکر شده نیز عوامل اقتصادی، نگرش و آگاهی‌های شخصی بیشترین فراوانی را دارا بودند (۲۸).

جنکینز<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) در تحقیقی تحت عنوان "شناخت موانع بازدارنده از مشارکت فرهنگی و نیازمندی‌های ساکنین بیرمنگام"، به بررسی اولویت‌های انتخاب فعالیت‌ها در اوقات فراغت شهروندان بیرمنگام پرداخته و دریافت که به طور کلی بیشترین موانع مربوط به مسئولیت‌های خانواده، محدودیت‌های مالی، محدودیت‌های زمانی، مسئولیت‌های کاری و محدودیت‌های جسمانی بوده است (۲۹).

بیتون<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان "کاوش و ارزیابی تئوری مشارکت"، به بررسی تئوری مشارکت در فعالیت‌های زمان اوقات فراغت افراد پرداخت. با بررسی نتایج، الگوریتمی برای ارتباط روان‌شناختی افراد با فعالیت‌های ورزشی طراحی کرد که چهار عامل را تاثیرگذار می‌دانستند. این چهار عامل، آگاهی، جذابیت، دلبستگی و وفاداری می‌باشند.

### روش‌شناسی تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی-پیمایشی می‌باشد که با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته به روش توزیع میدانی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه فرهنگیان شاغل در ادارات آموزش و پرورش و مدارس تابعه در استان مازندران در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و در دو جنس زن و مرد تشکیل داده اند (۴۱۷۸۳ نفر) و حجم نمونه‌ی آماری براساس جامعه آماری و با استفاده از جدول مورگان، ۷۵۰ نفر تعیین شد. پس از اخذ معرفی‌نامه و مجوز برای اجرای تحقیق از دانشگاه مازندران و اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران، تعداد ۸۰۰ پرسشنامه، توسط محققین در سه منطقه‌ی غربی (نوشهر و چالوس) مرکزی (بابل، آمل و جویبار) و شرقی (ساری و نکا) در استان و در هشت منطقه‌ی آموزش و پرورش، توزیع و جمع‌آوری گردید. ۷۵۶ پرسشنامه دریافت شد و پس از حذف موارد مخدوش، در نهایت ۷۲۸ پرسشنامه قابلیت تجزیه و تحلیل را داشتند.

پرسشنامه در دو بخش مشخصات فردی و سوالات اصلی، طراحی شد که برای تعیین روایی و پایایی، پس از بررسی منابع داخلی و خارجی و همچنین سوال و نظرخواهی از چند تن از اساتید متخصص در رشته‌های روان-شناسی و مدیریت ورزشی و مطابقت این سوالات با فرهنگ درون استان، به صورت آزمایشی به تعداد ۴۵ نسخه در بین فرهنگیان توزیع گردید. به منظور اندازه‌گیری قابلیت پایایی، از روش الفای کرونباخ و با استفاده از نرم افزار spss استفاده گردید و در نهایت ضریب آلفا ۰/۸۹ بدست آمد.

تجزیه و تحلیل آماری داده‌های این پژوهش از نوع تحلیلی-توصیفی بوده که در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. روش توصیفی مانند محاسبه فراوانی‌ها، درصدها، میانگین‌ها و انحراف معیارها بوده و از آمار استنباطی برای بررسی رابطه بین متغیرها استفاده شده است. برای سنجش میزان ارتباط متغیر ویژگی‌های

1 - Lam yuet ming

2 - Constraints and motivations

3 - Jenkins

4 Beaton



شخصی، از ۹ گویه که شامل محدودیت‌های سلامتی، کمبود اعتماد بنفس، ضعف مهارت‌ها و کمبود وقت، برای متغیر موانع بازدارنده از ۱۰ گویه که شامل موانع مالی، محیطی و ساختاری و برای متغیر عوامل سوق‌دهنده از ۱۳ گویه مربوط به محیط بیرونی شامل آگاهی عمومی، حمایت اجتماعی، فرهنگ جامعه و برنامه‌ریزی مسئولان و رسانه‌ها استفاده گردید. برای متغیر جذابیت نیز از ۶ گویه استفاده گردید. برای پاسخگویی به این سوالات از طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) استفاده شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا از روش آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای تعیین نرمال یا غیر نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شد. سپس از آزمون‌های اسپیرمن و پیرسون برای ارتباط عوامل با عدم رغبت و از آزمون رتبه‌ای فریدمن نیز برای رتبه‌بندی این عوامل استفاده شد. همچنین برای سنجش ارتباط متغیرهای دموگرافیک با علل بی‌رغبتی از آزمون‌های تی، کروسکال والیس و اسپیرمن استفاده گردید.

## یافته‌ها

### یافته‌های توصیفی

جدول ۱- یافته‌های توصیفی به تفکیک متغیرهای آن

متغیر	جنس	مدرک تحصیلی	رسته	سابقه	سن
تفکیک شده	مرد	زن	بیش از ۴۰ سال	۱۵ تا ۲۵ سال	بیش از ۴۰ سال
			۳۳ تا ۴۰ سال	۵ تا ۱۵ سال	۳۳ تا ۴۰ سال
			۳۱ تا ۳۵ سال	کمتر از ۵ سال	۳۱ تا ۳۵ سال
			۳۰ تا ۳۳ سال	آموزشی	کمتر از ۲۵ سال
			۲۶ تا ۳۰ سال	اداری آموزشی	بیش از ۲۵ سال
			۲۵ تا ۲۶ سال	اداری	بیش از ۲۵ سال
			۲۴ تا ۲۵ سال	دکتری	بیش از ۲۵ سال
			۲۳ تا ۲۴ سال	کارشناسی ارشد	بیش از ۲۵ سال
			۲۲ تا ۲۳ سال	کارشناسی	بیش از ۲۵ سال
			۲۱ تا ۲۲ سال	فوق دیپلم	بیش از ۲۵ سال
			۲۰ تا ۲۱ سال	دیپلم	بیش از ۲۵ سال
			۱۹ تا ۲۰ سال	مرد	بیش از ۲۵ سال
			۱۸ تا ۱۹ سال	زن	بیش از ۲۵ سال
موجودی یافت شده					

### آزمون طبیعی بودن توزیع داده‌ها

در پژوهش حاضر از آزمون کلموگروف اسمیرنوف به منظور آزمون طبیعی بودن توزیع داده‌ها استفاده شد که با توجه به یافته‌ها، نتایج این آزمون در مورد پرسشنامه عدم رغبت به فعالیت‌های ورزشی به همراه معیارهای آن در جدول ۲ ارائه گردیده است.

## جدول ۲- آماره‌های آزمون کلموگروف اسمیرنوف جهت تعیین طبیعی بودن توزیع داده‌ها

آماره‌ها			معیارهای پرسشنامه‌ها
توزیع	p	z	
غیرطبیعی	۰/۰۰۲	۱/۸۹۵	ویژگی‌های فردی و درون شخصی
غیرطبیعی	۰/۰۱۱	۱/۶۱۴	موانع موجود
طبیعی	۰/۰۹۸	۱/۲۲۸	عوامل محیطی سوق دهنده
غیرطبیعی	۰/۰۰۱	۱/۸۴۳	جاذبه فعالیت ورزشی
غیرطبیعی	۰/۰۳۳	۱/۴۳۶	عدم رغبت فرهنگیان

## یافته‌های استنباطی

فرض رابطه بین متغیرهای ویژگی‌های شخصی، عوامل سوق دهنده و موانع بازدارنده با بی‌رغبتی توسط داده‌های جمع‌آوری شده، قویاً تایید شده است.

اطلاعات حاصل از این تحقیق با استفاده از آزمون اسپیرمن (بدلیل عدم معنادار بودن توزیع داده‌ها)، نشان دهنده ارتباط معنادار بین ویژگی‌های فردی و درون شخصی فرهنگیان استان مازندران با عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌باشد ( $\rho = 0/652, p < 0/01$ ). ویژگی‌های شخصی افراد که برآمده از ویژگی‌های درون فردی و زیست‌شناختی آن‌هاست در بی‌رغبتی و عدم گرایش به فعالیت‌های ورزشی دخیل می‌باشند.

## جدول ۳- نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن بین ویژگی‌های فردی و درون شخصی فرهنگیان استان مازندران با عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	N	df	R	p
ویژگی‌های شخصی	عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۷۲۸	۳	۰/۶۵۲***	۰/۰۰۱

\* = معنی داری در سطح  $p < 0/05$

\*\* = معنی داری در سطح  $p < 0/01$

جهت پاسخگویی به فرضیه‌ی دوم پژوهش، از آزمون پیرسون بین عوامل محیطی سوق دهنده فرهنگیان استان مازندران با عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی استفاده شد. بر این اساس بین عوامل محیطی سوق دهنده فرهنگیان استان مازندران با عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری مشاهده شد ( $\rho = 0/723, p < 0/01$ ). این عوامل که بیشتر از عوامل فرهنگی و اجتماعی نشأت می‌-

گیرند، دسته‌ی دوم از عوامل تاثیرگذار بر عدم اجرای فعالیت‌های ورزشی می‌باشند. براساس این یافته‌ها، ضعف و یا فقدان عوامل سوق‌دهنده که افراد را به فعالیت‌های ورزشی هدایت می‌کنند و آن‌ها را در ارجحیت قرار دادن این فعالیت‌ها کمک می‌کند، نشان دهنده‌ی تاثیر گذاری بر تصمیم‌گیری فرهنگیان و دبیرانی است که خود سرمنشا فرهنگ در جامعه می‌باشند.

#### جدول ۴- نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین عوامل محیطی سوق دهنده فرهنگیان استان مازندران با عدم‌رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	N	df	R	p
عوامل محیطی سوق دهنده	عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۷۲۸	۳	۰/۷۲۳**	۰/۰۰۱

\* = معنی داری در سطح  $p < 0.05$

\*\* = معنی داری در سطح  $p < 0.01$

یافته‌های حاصل آزمون اسپیرمن، نشان‌دهنده ارتباط معنادار بین موانع موجود فرهنگیان استان مازندران با عدم‌رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌باشد. این نتایج در سطح معناداری  $p < 0.01$  و دو طرفه با مقدار  $\rho = 0.688$  بوده است. بر این اساس فرض حکم مبنی بر ارتباط بین دو متغیر مذکور پذیرفته و فرض صفر رد می‌شود.

#### جدول ۵- نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن بین موانع موجود فرهنگیان استان مازندران با عدم‌رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	N	df	R	P
موانع بازدارنده	عدم‌رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۷۲۸	۳	۰/۶۸۸**	۰/۰۰۱

\* = معنی داری در سطح  $p < 0.05$

\*\* = معنی داری در سطح  $p < 0.01$

در مورد جذابیت فعالیت‌های ورزشی، اطلاعات حاصل از این تحقیق با استفاده از آزمون اسپیرمن، نشان داد که بین جاذبه‌های فعالیت ورزشی فرهنگیان استان مازندران با عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود ندارد. این نتایج در سطح معناداری  $p < 0/05$  و دو طرفه با مقدار  $\rho = 0/287$  می‌باشد. باتوجه به یافته‌های مذکور فرض حکم پذیرفته و فرض صفر مبنی بر عدم ارتباط معنادار بین دو متغیر مذکور رد می‌شود.

### جدول ۶- نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن بین جاذبه‌های فعالیت ورزشی فرهنگیان استان مازندران با عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	N	df	R	p
جاذبه‌های فعالیت ورزشی	عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	۷۲۸	۳	۰/۲۸۷	۰/۰۰۱

\* = معنی داری در سطح  $p < 0/05$

\*\* = معنی داری در سطح  $p < 0/01$

برای آزمون میزان ارتباط این چهار متغیر با بی‌رغبتی فرهنگیان، از آزمون فریدمن استفاده گردید. بر این اساس از دیدگاه فرهنگیان استان مازندران، اختلاف معناداری بین عوامل رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی مشاهده شد. از دیدگاه جامعه مذکور ( $N=728$ ) موانع بازدارنده با میانگین رتبه ۲/۵۵ بالاترین اولویت را با کای اسکوار ۹۸۳/۶۶۸ و درجه آزادی ۳، عوامل سوق دهنده با میانگین رتبه ۲/۱۱، ویژگی‌های شخصی با میانگین رتبه ۱/۶۷ و جذابیت فعالیت‌های ورزشی با میانگین رتبه ۱/۴۸ در سطح معناداری  $p < 0/01$  اولویت‌های بعدی را به خود اختصاص دادند.

### جدول ۷- نتایج آزمون فریدمن جهت اولویت بندی معیارهای عوامل چهار گانه عدم رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی

اولویت معیارها	عوامل چهار گانه رغبت فرهنگیان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی	میانگین رتبه
۱	موانع بازدارنده موجود	۵۵/۲
۲	عوامل محیطی سوق دهنده	۱۱/۲
۳	ویژگی‌های فردی و درون شخصی	۶۷/۱
۴	جذابیت فعالیت‌های ورزشی	۱/۴۸

### یافته‌های فرعی تحقیق:

برای سنجش ارتباط متغیرهای دموگرافیک (سن، مدرک تحصیلی، سابقه، رشته و جنسیت) از آزمون‌های زیر استفاده کردیم.

یافته‌های تحقیق، ارتباط بین جنسیت و عوامل بی‌رغبتی فرهنگیان به فعالیت‌های ورزشی را نشان می‌دهند. یافته‌های حاصل از آزمون t که در جدول ۸ نشان داده شده است حاکی از مرتبط بودن این دو متغیر است.

**جدول ۸- نتایج آزمون t مستقل، ارتباط علل عدم رغبت به فعالیت ورزشی با جنسیت**

خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	حجم نمونه	جنسیت	گویه‌ها
۰.۰۲۴۴۹	۰.۴۶۹۲۵	۲.۷۹۰۹	۳۶۷	مرد	علل عدم رغبت به فعالیت‌های ورزشی
۰.۰۲۰۳۱	۰.۳۸۵۹۵	۲.۸۴۴۲	۳۶۱	زن	

95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Difference	Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	Sig.	f	گویه‌ها
پایین تر	بالا تر								
-۰.۱۱۵۸۸	۰.۰۰۹۳۶	۰.۰۳۱۸۷	-۰.۵۳۳۱	۰.۰۹۵	۷۲۶	-۱.۶۷۳	۰.۰۰۱	۱۱.۴۶۲	علل عدم رغبت

برای درک ارتباط یا عدم ارتباط متغیر سن و عوامل بی‌رغبتی، بدلیل عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون اسپیرمن استفاده گردید. براساس یافته‌های حاصل، رابطه مثبت و معناداری در سطح  $p < 0/01$  و دوطرفه یافته شد. براساس داده‌های مندرج در جدول ۹ بین عوامل بی‌رغبتی به فعالیت‌های ورزشی در فرهنگیان استان مازندران و سن آنان ارتباط معناداری وجود دارد.

### جدول ۹- نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد علل عدم رغبت به فعالیت ورزشی با سن در فرهنگیان مازندران

متغیر مستقل	متغیر وابسته	N	R	p
علل عدم رغبت به فعالیت های ورزشی	سن	۷۲۸	۰/۰۹۵	۰/۰۱

برای سنجش ارتباط بین متغیر رسته‌ی خدمتی با عوامل بی رغبتی فرهنگیان، بدلیل عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کروسکال‌والیس استفاده گردید. بر مبنای یافته‌های این آزمون، اختلاف بین رسته‌های مختلف فرهنگیان استان مازندران و علل عدم رغبت آنان به شرکت در فعالیت‌های ورزشی با کای اسکوار ۳/۶۴۶ و در سطح  $p < ۰/۰۵$  معنادار نبود ( $p = ۰/۶۰۱$ ).

همچنین بررسی میزان ارتباط متغیر سابقه‌ی فرهنگیان با بی‌رغبتی، بدلیل عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها، با استفاده از آزمون اسپیرمن صورت پذیرفت. بر اساس یافته‌های حاصل در ارتباط با فرضیه مذکور، رابطه معناداری در سطح  $p < ۰/۰۵$  و دوطرفه یافته نشد. پس بر اساس داده‌های مندرج در جدول ۱۰ بین علل عدم رغبت به فعالیت‌های ورزشی در فرهنگیان استان مازندران و سابقه‌ی آنان ارتباط معناداری وجود ندارد.

### جدول ۱۰- نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد علل عدم رغبت به فعالیت‌های ورزشی با سابقه در فرهنگیان مازندران

متغیر مستقل	متغیر وابسته	N	R	p
علل عدم رغبت به فعالیت های ورزشی	سابقه	۷۲۸	۰/۰۴۴	۰/۲۳۶

بین متغیر تحصیلات با عوامل بی رغبتی فرهنگیان، ارتباطی مشاهده نگردید. برای درک این رابطه نیز بدلیل عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کروسکال‌والیس استفاده گردید. بر مبنای یافته‌های این آزمون فرضیه، اختلاف بین میزان تحصیلات مختلف فرهنگیان استان مازندران و مورد علل عدم رغبت آنان به شرکت در فعالیت‌های ورزشی با کای اسکوار ۳/۵۹۷ و در سطح  $p < ۰/۰۵$  معنادار نبود ( $p = ۰/۴۶۳$ ).

### بحث و نتیجه گیری

بررسی آماری و استنباط از داده‌های جمع‌آوری شده، ارتباط بین سه متغیر از محدودیت‌ها را که در نظر گرفته بودیم با بی‌رغبتی فرهنگیان نشان دادند. فرضیات این تحقیق که بر اساس تحقیقات محققین جوامع مختلف بر روی اقشار مختلف، در نظر گرفته شده است، بر این مبنا می‌باشند که آیا محدودیت‌ها و موانعی که برای اقشار

مختلف در جوامع مختلف می‌باشد، برای جامعه‌ی مورد تحقیق نیز مانع از مشارکت افراد می‌باشد؟ و یا عوامل دیگری در عدم مشارکت آنها دخالت دارند؟ نتایج درک شده در این تحقیق، حاکی از مرتبط بودن این عوامل و ارتباط بیشتر محدودیت‌های بیرونی بر عدم مشارکت فرهنگیان، دارند. داده‌های جمع‌آوری شده این پژوهش توانستند اطلاعات ارزشمندی را برای ارزیابی متغیرهای مرتبط با عدم مشارکت مستمر در ورزش در اختیار ما قرار دهند. بر اساس یافته‌های توصیفی، از بین ۷۲۸ فرهنگ‌ی پاسخ دهنده، ۳۶۷ نفر مرد که معادل ۵۰/۴٪ و ۳۶۱ نفر زن که معادل ۴۹/۶٪ می‌باشد. این درحالیست که به علت جمعیت بیشتر زنان فرهنگ‌ی، پرسشنامه‌ی بیشتری نسبت به مردان بین آن‌ها توزیع گردید ولی نسبت پاسخ دهندگان مرد بیشتر از زن می‌باشد. می‌توان گفت که مردان بیشتر از زنان برای تحقیق و همچنین نظرات خود، اهمیت قائلند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میان علل عدم‌رغبت به فعالیت‌های ورزشی و جنسیت فرهنگیان حاضر در پژوهش ارتباط معنی‌داری وجود دارد. بنابراین عوامل بی‌رغبتی فرهنگیان مرد و زن با هم متفاوت است که با یافته‌های لام یوت مینگ (۲۰۰۹) همسوست. متولیان ورزش برای برنامه‌ریزی برای مشارکت‌های افراد در دو جنسیت با در نظر گرفتن این عوامل می‌توانند رغبت آن‌ها را به فعالیت‌های ورزشی بیشتر کنند. همچنین یافته‌ها ارتباط بین سن فرهنگیان و عوامل بی‌رغبتی آن‌ها را نشان دادند که با یافته‌های معتمدین و همکاران (۱۳۸۶) همسوست. در هر رده‌ی سنی، عوامل در نظر گرفته شده تاثیرگوناگونی را بر بی‌رغبتی دارند. احتمالاً وجود ضعف‌های جسمانی از عوامل بی‌رغبتی در سنین بالاتر و همچنین کمبود وقت در سنین پایین‌تر می‌باشد. یافته‌ها نشان داده‌اند که میان رسته‌های شغلی، سابقه‌ی افراد و تحصیلات آن‌ها با دلایل عدم رغبت به فعالیت‌های ورزشی ارتباطی مشاهده نگردید. عدم ارتباط عوامل بی‌رغبتی فرهنگیان در هر یک از رسته‌های سه گانه (اداری، اداری آموزشی و آموزش) و همچنین با سابقه‌های متفاوت، می‌تواند به دلیل تغییرات مداوم رسته‌ی شغلی افراد فقط در طی چند سال و همچنین کارکردن با افراد با سابقه‌های مختلف در محیط کاری خود باشد. عدم ارتباط تحصیلات نیز نشان از همانند بودن درک افراد از عوامل بی‌رغبتی خود دارد که با یافته‌های انجمن تحقیقات آمادگی و سبک زندگی کانادا (۱۹۹۶) ناهم‌سوست. این موضوع به سیاستگذاری مسئولان جهت گسترش فرهنگ سلامتی در مقاطع مختلف آموزشی در مدارس و همچنین برای افراد با سابقه‌ی کاری گوناگون و مدارک تحصیلی مختلف کمک می‌کند. ارائه‌ی برنامه‌ی یکسان برای افراد، با در نظر گرفتن عدم ارتباط این سه متغیر، به کمتر شدن هزینه‌ها و اجرای بهتر برنامه‌ها منتهی می‌گردد.

ارتباط بین متغیر ویژگی‌های شخصی افراد و بی‌رغبتی به ورزش که در این تحقیق درک شده است با یافته‌های داداشی (۱۳۷۹) همسو می‌باشد. داداشی در تحقیق خود به ارتباط عوامل بازدارنده‌ای مانند کمبود علاقه و کمبود وقت اشاره کرده بود. کمبود علاقه را می‌توان از موارد روان‌شناختی افراد ذکر کرد که آن‌هم می‌تواند تحت عوامل ارثی یا خانوادگی دانست ولی کمبود وقت را به علت کمی درآمد و داشتن شغل‌های دوم یا سوم بیشتر برای آقایان و خانه‌داری و تربیت فرزندان برای خانم‌ها دانست. همچنین یافته‌ها با یافته‌های نادریان و مشکل‌گشا (۱۳۸۷) به علت مرتبط بودن عوامل وقت، علاقه و مشکلات جسمی و روانی، همسو می‌باشد. بعضی از مشکلات جسمی افراد مانند معلولیت‌های جسمی و یا آسیب‌های ورزشی ناشی از فعالیت‌های ورزشی گذشته می‌باشند که به تدریج سبب بی‌علاقگی به ورزش می‌شوند و نوع دیگر اثرگذاری این محدودیت‌ها، ترس از مصدومیت است که به طور روانی مانع از مشارکت افراد می‌شوند. در خارج از کشور نیز همسویی با یافته‌های جنکینز (۲۰۱۰)

در ارتباط عوامل شخصی و درون فردی افراد دارد. محدودیت‌های جسمانی و ضعف روان‌شناختی افراد، یافته‌های مشترکی است که در این دو تحقیق بدست آمده است. با دقت در این تحقیقات می‌توان تاثیر شرایط جوامع مختلف و همچنین فرهنگ آن‌ها را در یافته‌های آن‌ها دخیل دانست که در این تحقیق تحت عنوان عوامل سوق دهنده در مورد آن‌ها بحث شده است. سوق دهنده‌ها، تسهیل کننده‌های مسیر مشارکت افراد به فعالیت‌های ورزشی می‌باشند. یعنی فرد به طور روان‌شناختی احساس نیاز به فعالیت‌های ورزشی پیدا می‌کند، سپس پس از تصمیم به مشارکت با کمی سوق دهنده‌ها مواجه می‌شود. ضعف عدم آگاهی از فواید ورزش که در فرهنگیان وجود دارد را همانند یافته‌های معتمدین و همکاران (۱۳۸۶) می‌توان درک کرد. عدم داشتن آگاهی‌های عمومی از ورزش، می‌تواند به دلایل متعددی باشد. ضعف خود افراد در جمع آوری اطلاعات، عدم برنامه ریزی مناسب مسئولان و ضعف رسانه‌ها می‌تواند از این دلایل باشد. همچنین یافته‌ها، با یافته‌های لام یوت مینگ (۲۰۰۹) و انجمن تحقیقات آمادگی و سبک زندگی کانادا (۱۹۹۶) همسو می‌باشد. داشتن انگیزه‌های اجتماعی مانند حمایت‌های دوستان و خانواده، از مهمترین عوامل اجتماعی انگیزاننده‌ی افراد به مشارکت در ورزش، می‌باشند که در تحقیقات لام یوت مینگ وجود دارد. همچنین نداشتن همبازی و کمبود حمایت نیز در تحقیقات انجمن آمادگی کانادا به چشم می‌خورد. درگیر شدن افراد در گروه‌های ناهمسان برای ورزش کردن، از موارد مهمی است که افراد با آنها مواجه می‌شوند. برای مثال، بالا بودن انتظار از فرد میان‌سالی که در گروه جوانان قرار می‌گیرد، به تدریج سبب بی میلی او به آن فعالیت می‌گردد. همچنین مشکلات و مسائل مالی از قبیل کمی درآمد و زیاد بودن هزینه‌های مشارکت در فعالیت‌ها از قبیل هزینه‌ی رفت و برگشت تا اماکن ورزشی و استفاده از تسهیلات ورزشی و همچنین موانع محیطی مانند کیفیت پایین اماکن ورزشی از مسائلی است که در بسیاری از تحقیقاتی که در اقشار مختلف در جامعه‌ی ما صورت گرفته است به چشم می‌خورد. فرهنگیان در این تحقیق هم به این مسائل اشاره کرده اند. موانع بازدارنده همانند سدی، از مشارکت افراد به فعالیت‌های ورزشی ممانعت می‌کنند. افراد پس از اینکه محدودیت‌های فردی را پشت سر گذاشتند و از درون، می‌توانند فعالیت‌های ورزشی را برای اوقات فراغت خود انتخاب کنند با موانعی (موانع مالی، محیطی و موانع ساختاری) که به خود فرد و محیط بستگی دارند مواجه می‌شوند. این موانع برای فرهنگیان باید مرتفع گردد تا آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی مشارکت کنند. این نتایج با یافته‌های انجمن تحقیقات آمادگی و سبک زندگی کانادا (۱۹۹۶)، جنکینز (۲۰۱۰) و کشر و احسانی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. با توجه به این نتایج می‌توان در نظر گرفت که با از بین بردن و یا حداقل کردن موانع پیش روی فرهنگیان، می‌توان علاقه‌ی آن‌ها را به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بیشتر کرد. چه بسا فرد پس از کنار زدن محدودیت‌هایی که بیشتر به خود وی و عوامل درونی او بستگی دارد، به اجرای فعالیت‌های ورزشی تمایل یابد ولی وجود این موانع که بیشتر دخالت محدودیت‌های خارجی در گرایش فرد می‌باشند، از گرایش افراد در ساعات فراغت کم می‌کند و یا از استمرار اجرای این فعالیت‌ها در زمان طولانی ممانعت کند.

در بحث در مورد جاذبه‌ی ورزش و فعالیت‌های ورزشی باید به تحقیق کشر و احسانی (۱۳۸۶) نظری بیافکنیم. برقراری توازن بین محدودیت‌ها و جذابیت‌ها (انگیزاننده‌ها) سبب اجرای آن فعالیت و انتخاب آن فعالیت از بین فعالیت‌های دیگر می‌گردد. بنابراین فرد ابتدا باید محدودیت‌ها را پشت سر گذاشته و بر اساس انگیزه‌ها یا جذابیت‌هایی که فعالیت‌های مزبور دارد، به آن فعالیت علاقه‌مند می‌گردد. جذابیت فعالیت‌ها در این تحقیق با بی- رغبتی ارتباطی ندارد. یعنی ورزش برای فرهنگیان جذابیت دارد ولی محدودیت‌ها مانع از مشارکت آن‌ها در ورزش



می‌شوند که با یافته‌های بیتون (۲۰۰۹) و حسن قلی پور (۱۳۸۸) ناهمسو می‌باشد. یافته‌های این افراد دلالت بر تاثیر ویژگی‌های فعالیت‌های ورزشی داشت. شاید این ناهمسو بودن به دلیل تعریف گوناگون جاذبه‌ی فعالیت‌های ورزشی باشد. فرهنگیان با درک جذابیت این فعالیت (همانند فواید ورزش) نسبت به فعالیت‌های دیگر، تصمیم به اولویت دادن این فعالیت‌ها در زمان اوقات فراغت دارند. بنابراین کمبود جاذبه‌ی فعالیت‌های ورزشی از دلایل بی‌رغبتی آن‌ها نیست. با وجود این شاید تمرکز بیشتر بر عوامل دیگر و همچنین پوشش رسانه‌ای قوی برای گسترش اطلاع‌رسانی از جاذبه‌ی فعالیت‌های ورزشی به صورت مستمر، سبب حفظ و پایداری این فعالیت‌ها توسط افراد گردد. افراد با انتخاب فعالیت‌ها از نظر مدت و شدت فعالیت و همچنین سهولت دستیابی به انواع ورزش‌ها، آن‌ها را انتخاب و حفظ می‌کنند.

پس از مشخص شدن ارتباط یا بی‌ارتباطی متغیرها به اولویت بندی میزان ارتباط این چهار متغیر پرداخته ایم. موانع بازدارنده بیشتر از کمبود و یا نبود سوق‌دهنده‌ها و همچنین بیشتر از ویژگی‌های شخصی افراد در بی‌علاقگی آن‌ها تاثیر دارند. کرافورد، جکسون و گادبی در سال ۱۹۸۶ به تاثیر گذاری سه دسته از عوامل بازدارنده‌ی افراد پرداخته اند که بر خلاف یافته‌های این تحقیق، عوامل اقتصادی در اولویت اول، عوامل فردی در اولویت دوم و عوامل بین فردی در اولویت سوم قرار گرفتند. محدودیت‌های بوجود آمده توسط دولت‌ها، شرایط زندگی اجتماعی و بالابودن هزینه‌های مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت می‌تواند از دلایل اولویت قرار گرفتن این موارد باشند. کشر و احسانی نیز در سال ۱۳۸۶ تحقیقی را بر اساس همین مدل (مدل کرافورد و همکاران) انجام داده‌اند که همانند یافته‌های آنان، عوامل اقتصادی و عوامل درون‌شخصی تاثیر بیشتری از عوامل بین فردی داشتند که در یافته‌های این تحقیق، عوامل بین فردی ارتباط بیشتری با عدم مشارکت داشتند. فرهنگیان ابتدا موانع و سپس، عوامل فرهنگی و اجتماعی را بیشتر از بی‌علاقگی خود تاثیر گذار می‌دانند. شاید داشتن روان قوی و با ثبات که از عوامل روان‌شناختی و درونی افراد می‌باشد، نتوانسته تحت تاثیر عوامل دیگر قرار گیرد، ولی ضعف فرهنگ ورزش در بین آن‌ها و همچنین دغدغه‌های نبود حمایت‌های اجتماعی از سوی خانواده یا همسالان جزء محدودیت‌هایی است که می‌تواند فارغ از عوامل درونی افراد باشد. برخی از عوامل درون شخصی مانند ضعف اعتماد بنفس و نداشتن مهارت‌ها در فعالیت، با آگاهی‌های عمومی و یا سوق‌دهنده‌های دیگر نیز در ارتباط هستند. برای مثال، بالابردن آگاهی‌های عمومی در ورزش می‌تواند به بالابردن اعتماد بنفس کمک کند و یا کمبود مالی سازمان‌ها در فراهم کردن بودجه‌ی ورزش سبب کاهش فعالیت رسانه‌ای می‌شود. ولی در این تحقیق، به هر یک از محدودیت‌ها جدای از محدودیت‌های دیگر می‌نگریم. تغییر در درون خود افراد و گرایش به فعالیت‌های ورزشی شاید پس از مرتفع ساختن عامل اولیه‌ی تاثیرگذار بر بی‌رغبتی افراد، بوجود آید. خودکارآمدی در زمینه‌های ورزشی می‌تواند به این تغییرات در افراد کمک بسزایی کند. عوامل تاثیرگذار بر ویژگی‌های شخصی مانند ویژگی‌های جسمانی و حالات درونی فرهنگیان توسط آن‌ها باید شناسایی گردد. اصلاح ضعف‌های جسمانی و تغییر حالات درونی و ایجاد عوامل تعیین کننده‌ی رفتار ورزشی در خود، می‌تواند راهکارهایی برای از بین بردن علل بی‌رغبتی که بر اثر ویژگی‌های شخصی بوجود آمده‌اند، باشد. بر طبق تئوری رفتار طراحی شده، تصمیم به اجرای فعالیت‌های ورزشی که به نوعی پس از فرایند درونی شدن فعالیت ورزشی در افراد صورت می‌پذیرد، به ایجاد رفتار ورزشی پس از یک فرایند برنامه ریزی شده کمک می‌کند. ایجاد رفتار ورزشی در افراد، نیاز به تشکیل شدن نیت رفتاری که آن‌هم پس از شکل‌گیری نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل بر رفتار، شکل می‌گیرد، منتج

می‌گردد. با استفاده از تغییر دادن درست رفتارهایی که از زندگی با سبک غیرفعال ناشی می‌گردند، می‌توان تعهد به رفتار ورزشی را در افراد بیشتر کرد. مدل مراحل تغییر می‌تواند به افراد چگونگی تغییر دادن درست رفتار را نشان دهد. با تغییر در فرهنگ جامعه از طریق رسانه‌ها و برنامه ریزی مسئولان و بالا بردن آگاهی عمومی در مورد فواید و مزایای فعالیت‌های ورزشی، می‌توان رغبت و علاقه‌ی افراد را به فعالیت‌های ورزشی بیشتر کرد. گسترش فعالیت‌های ورزشی از طریق طیف‌های محلی و ایجاد گروه‌های ورزشی در محیط همسایگی در شهرک-های فرهنگیان و همچنین در محیط کاری، می‌تواند به تعاملات مثبت اجتماعی با زمینه‌های ورزشی منجر شود. این عوامل به حمایت اجتماعی در گروه‌ها چه در محیط خانواده یا همسایگی حتی در محیط کار منتهی می‌گردد. با برنامه ریزی و ایجاد تسهیلات برای مشارکت آسان فرهنگیان توسط ادارات آموزش و پرورش و همچنین واحدهای آموزشی، فرهنگیان به فعالیت‌های ورزشی سوق داده می‌شوند. یکی از مهمترین استراتژی‌های گسترش ورزش، ایجاد اماکن ورزشی و توریستس در کشور است (۳۰). ایجاد ارتباطات مناسب، می‌تواند افراد بیشتری را در این فعالیت‌ها درگیر کند. موانع مالی در بین فرهنگیان رتبه‌ی اول در تاثیرگذاری بر عدم مشارکت دارد. با مرتفع ساختن این محدودیت‌ها از طریق فراهم کردن امکانات و تسهیلات مناسب، سهولت در دسترسی به این اماکن و تسهیلات و عواملی که بیشتر به محیط فرد بستگی دارد تا عوامل درونی او، می‌توان مشارکت افراد را به فعالیت‌های ورزشی بیشتر کرد. با اینکه تحقیقات زیادی در زمینه‌ی عدم مشارکت افراد به فعالیت‌های ورزشی انجام گردیده است، ولی تاکنون شاهد افزایش تعداد مشارکت کننده‌ها آن‌گونه که انتظار داریم، نیستیم. با انجام تحقیقات با این اهداف، باید علاوه بر نتایجی که بدست می‌آیند، انگیزه‌های شرکت کننده‌ها و یا دلایل افرادی که از اجرا سر باز می‌زنند، مشخص و سپس در برنامه‌ها برای افزایش و یا رفع آنها اقدام شود. روشن شدن این دلایل در این قشر، مشخص می‌کند که افراد به نقاط ضعف خود آشنا شده و یا به عواملی که از بیرون بر آنها فشار وارد می‌کنند تا در فضای ورزش حضور نداشته باشند، مطلع گردند. بنابراین صرفاً، استخراج کردن این عوامل مطرح نیست بلکه استفاده‌ی درست توسط خود افراد و مسئولانی که در امر سیاست‌گذاری نقش دارند، تاثیر این تحقیقات را پررنگ تر می‌کند. پیشنهاد می‌شود با مطالعه و تحقیق، چنین تحقیقی در مورد دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی، اجرا گردد و همچنین انگیزه‌ی اجرای فعالیت‌های ورزشی توسط فرهنگیان دارای فعالیت‌های مستمر ورزشی، بررسی شود.

## منابع

- 1- Hemayattalab, R. (2009). The disinterest toward sport for all through attitudes of high school students in towns of Tehran province. The research in the education.Tehran, Iran.
  - 2-Services, -. A. D. o. H. (2011). Mental Health & Physical Activity,. Quarterly Health Initiative.www.azdhs.gov/bhs/qhi.
  - 3- Kashef, M. M., & Ashraqi, H. (2007). Economic effects of sport for all development in West Azarbaijan,. 2ed congress of national sport management. Shiraz, Iran.
  - 4-Kafi, B. (2006). The attitudes towards human resource,. Tehran: Farazandish-e-Sabz press, Iran.
  - 5-Campbell, r. B. (1991). An Interactivist Approach”,Types of Constraints on Development,. Department of Psychology Chandler-Ullmann Hall , Lehigh University.
  - 6-Garry, C. E., D. (2004). POSSIBILITY OF REFINING THE HIERARCHICAL MODEL OF LEISURE CONSTRAINTS THROUGH CROSSCULTURAL RESEARCH,. Proceedings of the 2003 Northeastern Recreation Research Symposium,, 338-344.
  - 7-Masaheb, G. H. (2001). Persian encyclopedia, T. J.-s. c. o. p. books (Ed.)
  - 8-Gao, Z. (2009). Students’ motivation, engagement, satisfaction, and Ccardiorespiratory fitness in physical education. Journal of applied sport psychology,, 21, , 102-115.
  - 9-Maureen, R. W. (2000). Motivating Kids in Physical Activity,. President’s Council on Physical Fitness and Sports research digest,, Series 3,(11), 27-39.
  - 10-Schiefele, U. (1991). Interest,learning and motivation,. Educational psychologist,, 26(3&4),, 299-323.
  - 11-Ang, C. B., Sh. (2004). Goals, interest, outside-school activity and learning, Learning and Individual Differences,. A web of achieving in physical education,, 14,, 169–182.
  - 12-Glassman, M. (2001). Dewey and Vygotsky: Society, Experience, and Inquiry in Educational Practice,. Educational Researcher,, 30,, 3–14.
  - 14-Gao-Balch, Y. P., L. Yamaguchi,M. (2011). Gao-Balch,Y Privett,L. Yamaguchi,M. International Journal of Medicine and Medical Sciences,, 3(6),, 164-169.
  - 15-Glanz, k. B., b. (2010). The Role of Behavioral Science Theory in Development and Implementation of Public Health Interventions,. Annual Review of Public Health,, 31,, 399– 418.
- Categories, -. h. e. w. o. w. i. p. t. T. m. o.
- 17-Zwicker, V. S., A. Alfonzo, Ch. (2011). Theory of Reasoned Action,Theory of Planned Behaviour, and Integrated Behavioural Model,. Health Promotion Strategies. , 8, 125-225.
  - 18-vaeze mosavi, s., m and mosayyebi, f. (1387). sport psychology, 93.
  - 19-Davidson, Z. S.-K., A. P.J. Veugelers,l. (2010). Neighborhood determinants of self-efficacy, physical activity, and body weights among Canadian children,. Health & Place, , 16 , , 567–572.
  - 20-Bandura, A. (2001). Social Cognitive Theory: an agentic prespective,. Department of pscology ,Stanford university.
  - 21-Rabinz, a. (2003). organization behavioral fundamental m. a. ali parsian (Ed.) (pp. 235).
  - 22-Naderian, M., Zolaktaf, V., & Moshkelgosha, E. . (2007). The barriers of female participaton in sport focused on motivation,. Movement siences and sport, , 1,, 145-154.
  - 23-Reger, b. C. l. S., h. Bauman,a. Wootan,m. Middlestadt,s. (2002). Wheeling Walks: A Community Campaign Using Paid Media to Encourage Walking Among Sedentary Older Adults,. Preventive Medicine,, 35,(3),, 285-292.

- 24- Naderian, M., Zolaktaf, V., & Moshkelgosha, E. (2007). The barriers of female participaton in sport focused on motivation,. *Movement siences and sport*, 1,(13,), 145-154.
- 26-Motamedin, M., Madadi, B., & Asgarian, F. . (2009). The study of the interest and disinterest causes of Tabrizian citizens about sport for all. *Research in management*, 23, 68-97.
- 27-Kashkar, S., & Ehsani, M (2007). The inhibiting factors of recreation sport among the females in Tehran: Individual characteristics. . *The female studies*, 2,, 113-134.
- 28- YuetMing, l. (2010). Constraints and motivations for physical activity participation in sedentary working people in HongKong,. Baptist university library,libproject.hkbu.edu.hk/trsimage.
- 29- Jenkins, s. (2010). Identify the barriers to cultural participation and the needs of resident of birmangham,. *Ecotec research and consulting ltd Vincent house*, 3, 17-29.
- 30- Hamidi.H, R. M. H., Amirnejad.S,Shafi zadeh.Sh, Fazli darzi. A. . (2010). Expression strategy of iran sport tourism,. *journal of sport management&behavior movement,University of Mazandaran*, 6,(12), 27-36.